



ارزشیابی کیفیت برنامه درسی در نظام آموزش عالی

المیرا جاوید^۱، فاطمه فرزادیان^۲

^۱دانشگاه الزهرا javid.elmira@gmail.com

چکیده

برنامه های درسی از ارکان اساسی و حیاتی نظام آموزش عالی به شمار می آیند. برنامه ها، بایستی اهداف گسترده ای را اعم از اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، علمی اخلاقی و فکری تحت پوشش قرار دهند. یکی از مهمترین فعالیت ها در جریان بهبود و پیشرفت برنامه درسی، ارزشیابی برنامه درسی است. این فعالیت موجب ایجاد مدار بازخورد برنامه درسی شده، در نهایت اصلاح و بهبود برنامه درسی را به ارمغان می آورد. تکامل برنامه ها به طور کلی در گرو ارزشیابی نظام دار است. (قادری، ۱۳۹۳).

در این مقاله ارزشیابی کیفیت برنامه درسی در نظام آموزش عالی را در دو بعد درونی، (با توجه به عناصر نه گانه فرانسیس کلاین) و برونی (با توجه به مفهوم اثر بخشی برنامه) و همچنین شاخص های کیفیت برنامه درسی که ناظر بر بهبود برنامه درسی است مورد بررسی قرار گرفت.

کلمات کلیدی: ارزشیابی، کیفیت برنامه درسی، آموزش عالی

National Conference

۲۷/۸/۲۰۱۵

Kome elmavaran danesh

R.S. Institute

Article Code: ۳۱۴۲



کیفیت نظام آموزش عالی را به گونه های مختلف تعریف کرده اند. شبکه بین المللی تضمین کیفیت آموزش عالی، کیفیت آموزش عالی را بر اساس ملاک هایی چون: تطابق با استانداردهای از قبل تعیین شده و میل به هدف های تصریح شده تعریف می کنند (بازرگان، ۹۲). برحسب این تعریف، کیفیت نظام آموزشی را می توان بر مبنای هر یک از عناصر (عوامل تشکیل دهنده) نظام ارزیابی کرد. چنانچه عناصر نظام آموزشی (درونداد، فرایند، محصول، برونداد و پیامد) را در نظر بگیریم بر اساس هر یک از آنها می توان کیفیت را تعریف کرد. در میان عوامل درونداد نظام آموزشی، سه عامل از جمله مهمترین عوامل منظور می شود: یادگیرنده، مدرس و برنامه درسی. ارزیابی هر یک از این عوامل می تواند در بهبود کیفیت نظام آموزشی تأثیر بسزایی داشته باشد. (بازرگان، ۹۲).

ارزشیابی در آموزش عالی به منظور تعیین میزان کیفیت عبارت است از فرایند تعیین، تهیه، گردآوری اطلاعات با هدف متفاوت، درباره میزان عملکرد عوامل موجود در نظام، که برای تصمیم گیری در جهت بهبود فرایند یادگیری و یاددهی انجام می شود (علیاری، ۹۰).

برنامه درسی، مهمترین ابزار دست یابی هر نظام آموزشی به رسالت ها و هدف های خود بوده و مهمترین عنصر و جوهره ی هر نظام آموزشی است که اثر بخشی آن را تضمین می کند (نیکخواه، محمد، ۹۰). برنامه های درسی در دانشگاهها و موسسات آموزش عالی، در توفیق یا شکست این مؤسسات، نقش کلیدی و بسیار تعیین کننده ای ایفا می کنند. عبارت روشن تر، برنامه های درسی آینه ی تمام نمای میزان پیشرفت و انعکاس از پاسخ گو بودن دانشگاهها به نیازهای در حال تغییر جامعه هستند.

کیفیت برنامه درسی یک دل مشغولی همیشگی در آموزش عالی بوده و امروزه به دلیل تغییرات پدید آمده در شمار و ترکیب جمعیت دانشجویی در سراسر جهان ابعاد دیگری یافته است. (واجارگاه، ۸۶).

در ایران، ارزیابی آموزش عالی به منظور قضاوت درباره کیفیت نظام آموزش عالی و بهبود مستمر امور آن، از سال ۱۳۷۵ با تدوین و اجرای طرح پیش پژوهش در آموزش پزشکی آغاز شد (سبحانی نژاد، ۸۷).

ارزشیابی برنامه درسی:

برنامه درسی به معنای طراحی فرصت های یادگیری برای ایجاد تغییرات خواسته شده در دانش آموزان و ارزیابی میزان تحقق این تغییرات است (لوی، ۱۳۹۱). برنامه ریزی درسی و آموزشی شامل سه مرحله اساسی است: طراحی، اجرا، ارزشیابی (ملکی، ۸۸). این مهم در آموزش عالی به دلیل نقش آن در توسعه علمی و فناوری کشورها از اهمیت مضاعف برخوردار است. بنابراین تعیین ساختار بهینه ی برنامه درسی آن با توجه به تغییرات جهانی و گسترش علوم و فناوری های نوین، از دلمشغولیهای دست اندرکاران آن است. لازمه ی این امر، مطالعه سطوح، عناصر و مؤلفه های مختلف برنامه درسی و روش های اصلاح و بهبود آن ها، از طریق ارزشیابی جامع است.

ارزشیابی برنامه درسی به منظور تعیین میزان کیفیت فرایندی برای بهبود جوهر و ماده برنامه درسی، رویه های اجرایی و روش های آموزشی است و به منظور شناسایی نقاط قوت و ضعف برنامه درسی قبل از اجرا و کارایی آن پس از اجرا به کار گرفته می شود (مومنی مهمویی، ۹۰).



اهداف ارزشیابی برنامه درسی را کمک به تصمیمات در خصوص تدوین برنامه درسی، کمک به تصمیمات در خصوص ادامه برنامه، گسترش و اعتباریابی آن، کمک به تصمیمات در خصوص اصلاحات برنامه درسی، کسب شواهد برای ساماندهی حمایت از برنامه درسی، کسب شواهد برای ساماندهی موقعیت برای برنامه درسی و کمک به درک فرایندهای اساسی روانشناختی و اجتماعی دانست

ارزشیابی عبارت است از جمع آوری اطلاعات برای تصمیم گیران، که با هدف تعیین شایستگی و ارزش، دستیابی به خطی مثنی های بهتر عملیاتی سازی و بهبود کیفیت برنامه درسی مورد استفاده قرار می گیرد.

ارزشیابی برنامه درسی به بررسی اثربخشی و کارایی برنامه می پردازد و حیات برنامه درسی به آن بستگی دارد. (مومنی مهموئی، ۹۰). ارزشیابی برنامه درسی باید با آگاهی کامل از تمامی عناصر و سطوح آن، از جمله سطوح برنامه درسی قصد شده، اجرا شده و تجربه شده صورت پذیرد. از طرفی یک ارزشیابی زمانی نتایج قابل اتکایی فراهم می آورد که به طور جامع و با استفاده از منابع اطلاعاتی مناسب و طبق شاخص های مناسب، طراحی و اجرا گردد. شاخص های ارزشیابی، ویژگیهای روشن، کمی یا کیفی و قابل سنجش هستند که برای تعریف سیاست گذاری و طبقه بندی عوامل به کار می روند (نیکخواه، ۹۰).

ارزیابی برنامه درسی می تواند تمام مراحل تدوین برنامه درسی را در بر گیرد. شیوه های ارزیابی برنامه درسی در چند دهه گذشته متحول شده است. بر این اساس، پنج کارکرد برای ارزیابی برنامه درسی می توان منظور داشت: (۱) تشخیص مشکلات یادگیری برای توصیه ی مواد آموزشی مناسب (۲) تجدید نظر در برنامه درسی (۳) مقایسه ی برنامه ها و برخی عوامل دیگر نظام آموزشی (ساماندهی مدرسه، تدریس... (۴) پیش بینی نیازهای آموزشی (۵) تعیین اینکه آیا هدف های آموزشی تحقق یافته اند. (بازرگان، ۹۲)

کیفیت

منظور از کیفیت بهتر شدن در زمینه های مختلف شامل روش های طراحی و اجرای عملیات، کاهش ضایعات، خشنودی کارکنان، افزایش سودآوری، خشنودی مصرف کنندگان و غیره است.

سازمان جهانی استاندارد، کیفیت را مجموعه ویژگی ها و خصوصیات یک فرآورده یا خدمتی که بیانگر توانایی آن در برآوردن خواسته های بیان شده یا اشاره شده باشد میدانند (سبحانی نژاد، ۸۷)

کیفیت همانند زیبایی و خوبی واژه ای است که با ذهنیت سروکار دارد. بنابراین معنی آن با توجه به ذهنیت افراد مختلف تغییر می کند. هر چند که کیفیت در حالت های مختلف یکسان نیست، اما به طور کلی، درباره کیفیت می توان این پرسش را در تمام موارد مطرح کرد «آیا آنچه را که انتظار داریم به دست خواهیم آورد؟» (بازرگان، ۹۲)

کیفیت برنامه درسی



کیفیت برنامه درسی در برگیرنده ی اعمال و فعالیت هایی نظیر طرح های یادگیری و تدریس، تحقیق و دانش پژوهی، کارکنان، دانش آموزان، دانشجویان، گروه های آموزشی، تجهیزات، خدمات و محیط اجتماعی است (کرامتی، ۱۳۹۲).

نظام آموزش عالی باید متوجه نگرانی های مربوط به افت کیفیت باشد و ارزیابی کیفیت آموزشی را در برنامه های خود بگنجانند، در این راستا ارزیابی کیفیت برنامه درسی به عنوان یکی از مهمترین عناصر نظام دانشگاهی برای تأمین کادر تخصصی و علمی از اولویت برخوردار است. (قادری، ۱۳۹۳).

یک موضوع اصلی در توصیف کیفیت برنامه درسی، تعیین استانداردهای آموزشی است. یک برنامه درسی با کیفیت بالا باید متوجه نیازهای رشد یکایک دانشجویان باشد. در عین حال معیارهای روشنی نیز باید موجود باشد تا تمامیت و کارایی برای برنامه درسی را از گزند محافظت کند. (سرمد، ۱۳۷۷)

رتکلیف (۱۹۹۷)، وجود معیارهای روشن ورودی و خروجی را برای حفظ کیفیت برنامه درسی ضروری می داند: «بدون وجود معیارهای ورودی روشن بر اساس اهداف برنامه درسی (گزینش دانشجو، تشخیص محیط و شرایط، راهنمایی دانشجو)، آن راهنمای برنامه درسی تا حد پاسخ گویی صرف به نیازهای دانشجویان ضعیف تنزل خواهد کرد. و بدون معیارهای خروجی روشن، برنامه درسی ممکن است از طریق اضافه کردن موادی که منتسب به اهداف تربیتی نمی باشند، امتداد و وسعت یابد. همچنین دانستن توصیف دقیقی از استعدادهای خلاق، مهارت های تحلیلی و کارایی ضروری است. پس برنامه درسی با کیفیت دارای معیار و روش اندازه گیری میزان دستیابی به دانش ها، مهارت ها و توانایی هایی است که «همه» باید بدست آورند. (همان، ۱۳۷۷).

فعالیت های انجام شده در زمینه ی تبیین مفهوم کیفیت در موسسات گوناگون به تمییز بین دو بعد یا نوع متفاوت از آن منجر شده است که از آن ها با عنوان ارزشیابی کیفیت درونی و ارزشیابی کیفیت برونی نام برده می شود. (واجارگاه، ۱۳۸۶).

با عنایت به این تمایز مفهومی، میتوان برای برنامه های درسی دانشگاهی نیز در زمینه ی ارزشیابی کیفیت، دو بعد یا جنبه ی مهم متصور شد: ارزشیابی کیفیت درونی با عنایت به مطلوبیت و تناسب عناصر گوناگون برنامه درسی و نیز ارزشیابی کیفیت بیرونی با توجه به میزان اثر بخشی این برنامه ها در زمینه محصول یا تولیدات برنامه درسی. این تمایز، که از آن به عنوان ارزشیابی فرایند برنامه درسی و ارزشیابی محصول فرایند برنامه درسی نیز نام برده شده است در ادبیات برنامه درسی سابقه ی دیرینه ای دارد. (همان)

ارزیابی کیفیت درونی برنامه درسی

ارزیابی درونی شرایطی را فراهم می آورد که کیفیت آموزشی تصویر شده و به مجموعه آموزشی امکان می دهد تا در راه دستیابی به اهداف بلند مدت خود تلاش کنند و راه را برای ایجاد برنامه توسعه در سازمان باز نگه دارند. ارزشیابی درونی تأکید فراوان بر برنامه هایی دارد که از طریق آن برنامه ها، مأموریت، جایگاه، اهداف و نقاط قوت و ضعف مجموعه ی آموزشی معین می شود و آن مجموعه برای تضمین و بهبود کیفیت خود، روش های مفیدی را اتخاذ می نماید (ربیعی، ۸۹).

برای ارزشیابی کیفیت درونی برنامه درسی، چالش های مهمی وجود دارد که در بین آنها تعیین عناصر برنامه درسی و نیز ایجاد تعادل و انسجام در بین آنها از مهمترین موارد محسوب می شود. معروف ترین برداشت ارائه شده از عناصر برنامه درسی، طبقه بندی الگوی فرانسویس کلاین در الگوی مطالعه آموزش مدرسه ای است که در غالب ۹ عنصر: اهداف، مواد آموزشی، محتوا، فعالیت



های یادگیری، راهبردهای یادگیری، ارزشیابی، گروه‌بندی، زمان، فضا، عناصر برنامه درسی را مطرح کرده است. «اکر، Akker» بر اساس الگوی فرانسیس کلاین، عناصر برنامه درسی را در ۱۰ عنصر مورد توجه قرار داده است که به غیر از عنصر «منطق یا چرایی» برنامه‌ی درسی، سایر عناصر با الگوی کلاین مشترک هستند. او همچنین، سؤالاتی مطرح می‌کند که روشن‌کننده وضعیت این عناصر در فرایند بررسی کیفیت برنامه درسی است. (واجارگاه، ۸۶).

عناصر برنامه‌ی درسی و تبیین آنها در فرایند کیفیت برنامه درسی (Akker, ۲۰۰۳)

عناصر برنامه درسی	پرسش‌های جهت دهنده
منطق	چرا فراگیرندگان باید یاد بگیرند؟
مقاصد و اهداف	یادگیرندگان در جهت تحقق چه اهدافی به یادگیری می‌پردازند؟
محتوا	یادگیرندگان چه چیزی می‌آموزند؟
فعالیت‌های یادگیری	یادگیرندگان چگونه می‌آموزند؟
نقش معلم	معلم چگونه فرایند تدریس و یادگیری را تسهیل می‌کند؟
مواد و منابع	یادگیرندگان با کمک چه چیزی به یادگیری می‌پردازند؟
گروه‌بندی	با چه کسانی به یادگیری می‌پردازند؟
مکان	کجا به یادگیری می‌پردازند؟
زمان	کی و چه زمانی یاد می‌گیرند؟
سنجش و ارزشیابی	چقدر در یادگیری پیشرفت داشتند؟

ارزیابی کیفیت بیرونی برنامه درسی

ارزشیابی کیفیت بیرونی برنامه درسی یا اثر بخشی برنامه‌های درسی در دهه‌های اخیر مورد توجه فزون‌تری واقع شده است. میزان همخوانی محصولات برنامه درسی با آنچه که قبلاً و از پیش قصد شده بود، اثر بخشی برنامه درسی نامیده می‌شود. برای ارزشیابی اثر بخشی کیفیت بیرونی برنامه‌های درسی روش‌های گوناگونی ابداع شده است که در زمره‌ی آنها، الگوی چهار مرحله‌ای کرک پاتریک، شامل ارزشیابی واکنش‌ها، ارزشیابی یادگیری، ارزشیابی تغییر رفتار یادگیرندگان و ارزشیابی بازده (kirkpatrick, ۱۹۹۶) است. الگوی هدف - محور اسپکتر، که در آن هدف‌های از پیش تعیین شده برنامه با محصولات و بروندها با استفاده از روش‌های گوناگون جمع‌آوری داده‌های کمی و کیفی مقایسه می‌شوند (spector, ۱۹۹۹). و الگوی مشارکتی نیکولز که در آن شرکای اصلی برنامه (دانشجویان، دانش‌آموختگان، کارفرمایان، مدیران و مدرسان) میزان تحقق اهداف مورد انتظار را از برنامه مورد داوری قرار می‌دهند و در خصوص کیفیت برنامه درسی قضاوت و داوری می‌کنند (nikoles, ۲۰۰۱). قابل ذکر است. (واجارگاه، ۸۶).



شاخص های کیفیت برنامه درسی

برنامه های درسی متفاوتی درون یک مؤسسه و در مؤسسات مختلف آموزش عالی موجود است که تنها جنبه های محدودی از آنها برای ایجاد شاخص های مقایسه ای مناسب است. در حالی که بیشتر شاخص های برنامه درسی برای کاربرد در امر نظارت بر یک مؤسسه آموزش عالی و برای مشاهده گرایش های عمده در روند ارائه دروس مناسب هستند. نکته مهمی که باید در شناسایی شاخص های کیفیت برنامه درسی به آن اشاره کرد، که کدامیک از سطوح مختلف برنامه درسی مورد ارزشیابی قرار می گیرد. بنابراین برای تدوین شاخص ها باید همه ان مفاهیم را مورد توجه قرار داد. (پیتر ایول ۱۹۹۷)، نیز هر چهار سطح برنامه درسی (برنامه درسی طراحی شده، مورد انتظار، عرضه شده و تجربه شده) را در ارزشیابی کیفیت بسیار مهم می داند و عقیده دارد برای نشان دادن آنها باید یک نظام شاخص مناسب ایجاد شود. البته شاخص ها را می توان برای هر بعد ساختار یا عملکرد برنامه درسی تهیه کرد. اما آنها برای یک حیطه خاص مناسب ترند. بنابراین باید شاخص هایی برای مقایسه عملکرد مؤسسات مختلف با یکدیگر تهیه کرد که اینگونه شاخص ها معمولاً به منظور پاسخ گویی تهیه شده اند. شاخص هایی نیز می توان تدوین نمود که بر کنش های برنامه درسی درون یک مؤسسه تمرکز داشته باشند. این دسته از شاخص ها به منظور نظارت در جهت بهبود برنامه درسی به کار می روند. (سرمد، ۱۳۷۷).

شاخص های مناسب برای مقایسه کیفیت برنامه درسی در مؤسسات مختلف آموزش عالی:

الف) محتوی و دامنه شمول برنامه درسی

ب) توالی و ساختار در برنامه درسی

ج) توازن بین مفهوم ارائه محتوی بصورت محض، و مفهوم ارائه محتوی بصورت کاربردی

د) تدریس خوب

شاخص های مناسب برای نظارت بر طراحی و اجرای برنامه درسی در یک مؤسسه آموزش عالی:

این دسته از شاخص ها برای نظارت بر گرایشهای نهفته در برنامه درسی مفید می باشند. اما مهمترین کاربرد این نوع شاخص ها، استفاده به منظور ارزشیابی است. دو حیطه بسیار مفید برای ایجاد شاخص های کیفیت در سطح مؤسسات آموزش عالی پف عبارتند از: الف) بررسی میزان هماهنگی نتایج با اهداف . ب) انسجام برنامه درسی. (همان).

نتیجه گیری:

با توجه به چالش های متعددی که امروزه نظام آموزشی ایران با آنها مواجه شده است. بهبود و تضمین کیفیت در آن الزامی شده است. در آغاز قرن بیست و یکم سنجش کیفیت دانشگاهها و سایر مراکز آموزش عالی از اهمیت ویژه ای برخوردار شده است. از جمله دلایل این امر جهانی شدن ، توجه به اقتصاد دانایی محور در برنامه های توسعه پایدار و نیز ضرورت گسترش فرصت های آموزش عالی برای عده بیشتری از داوطلبان است. سنجش کیفیت دانشگاه ها و ارتقای آن مستلزم اشاعه ی فرهنگ ارزیابی مستمر



از برنامه درسی است. از آنجا که گروه آموزشی هسته اصلی فعالیت های هر دانشگاه به حساب می آید و بهبود کیفیت دانشگاه به بهبود کیفیت گروههای آموزشی آن وابسته است، انجام ارزیابی فرایند مستمر در سطح گروه آموزشی گامی مؤثر در رشد کیفی دانشگاه و در نتیجه ارتقای کیفیت نظام آموزش عالی است.

در نظام های آموزشی توجه به کیفیت به موازات تأکید بر کمیت، مد نظر قرار نگرفته است. توجه بیش از حد به کمی سازی در آموزش منجر به بحرانی به نام کیفیت شده است. و نظام های آموزشی باید تلاش نمایند تا «کیفیت درونداها» فرایند و برونداها را خود را بالا ببرند. یکی از راههای ارتقای کیفیت، ارزیابی آموزشی است.

متأسفانه به رغم اهمیت برنامه های درسی در مؤسسات آموزش عالی، میزان توجه به آنها کافی نیست و حتی تلاش واگذاری لازم برای بررسی، ارزشیابی، اصلاح و تغییر آنها صورت نگرفته است.

منابع

۱. بازرگان، عباس. (۱۳۹۲). ارزشیابی آموزشی مفاهیم، الگوها و فرایند عملیاتی. تهران: سمت.
۲. سبحانی نژاد، مهدی؛ افشار، عبدالله. (۱۳۸۷). تبیین ماهیت و مؤلفه های کیفیت سنجی نظام آموزش عالی به منظور شناخت چالش ها و طرح پاره ای راهکارهای نوآورانه. فصلنامه دانشگاه اسلامی ۴۰؛ شماره ۴.
۳. سرمد، زهره؛ وزیری، مژده. (۱۳۷۷). شاخص های کیفیت برنامه درسی در آموزش عالی. فصلنامه علمی - پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء، سال هفتم و هشتم، شماره ۲۴ و ۲۵.
۴. علیاری، شهلا؛ ملکی، حسن. (۱۳۹۱). تدوین و استانداردسازی شاخص های ارزشیابی کیفیت و اعتبارسنجی برنامه درسی دوره کارشناسی پیوسته رشته پرستاری دانشگاههای علوم پزشکی کشور. مجله علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی ارتش جمهوری اسلامی ایران؛ سال دهم، شماره ۱، ص ۶۱-۵۰.
۵. فتحی واجارگاه، کوروش؛ شفیعی، ناهید. (۱۳۸۶). ارزشیابی کیفیت برنامه درسی دانشگاهی (مورد برنامه درسی آموزش بزرگسالان). فصل نامه مطالعات برنامه درسی؛ شماره ۵، ص ۲۶-۱.
۶. لوی، الف. (۱۳۹۱). مبانی برنامه ریزی آموزشی (برنامه ریزی درسی مدارس)، ترجمه فریده مشایخ، تهران: انتشارات مدرسه.
۷. ملکی، حسن. (۱۳۸۸). فرایند ارزشیابی برنامه های درسی. مجله دانشکده پیراپزشکی ارتش جمهوری اسلامی ایران، سال چهارم، شماره ۲.
۸. مومنی مهموئی، حسین. (۱۳۹۰). آسیب شناسی ارزشیابی برنامه درسی در آموزش عالی. فصلنامه راهبردهای آموزش، دوره ۴، شماره ۲، ص ۹۵-۱۰۰.
۹. هاشمی، سید حامد؛ پور امین زاد، سعیده. (۱۳۹۰). تحلیل الگوی اعتبارسنجی و ارزیابی درونی جهت ارزیابی و تضمین کیفیت در نظام دانشگاهی. پنجمین همایش "ارزیابی کیفیت در نظام دانشگاهی" دانشگاه تهران